

## نقش پروسه معیشت در مبارزه سیاسی

امیرفیض- حقوقدان

همانطور که در امور کسب و کار، عدم تعادل درآمد و هزینه یکی از اسباب ورشکستگی است و نیز در گردش اقتصاد کشور، عدم تعادل درآمد و هزینه کشور، موجبات آشفتگی کشور را از نظر اداری و اقتصادی و حتی سیاسی فراهم میسازد، عدم تعادل هزینه زندگی با حقوق و درآمد کارگران و کارکنان دولت نیز، تالی فساد است که علاوه بر تاثیر آن بر تولید کشور جامعه رابه مسیرهای غیر اخلاقی و غیر قانونی و حتی جنایتکارانه سوق میدهد.

بر آن کدخدا زار باید گریست که دخلش بود نوزده خرج بیست

### مصادق رابطه و تعادل درآمد و هزینه زندگی است

❖ دویاسه روز قبل یعنی ۱۸ اسفند ماه سال جاری بر اساس مصوبه مورخ ۱۸ اسفند حقوق ماهیانه یک کارمند دولت ماهیانه ۶۰۰ هزار تومان تعیین شده است و این در حالی است که سال گذشته حداقل حقوق کارمند دولت ۴۹۰ هزار تومان بوده است.

خبر، بسیار تاثیر آور بود هیچ فراموشم نمیشود که با ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار تومان در سال قبل از شورش ۵۷ میشد یک خانه بسیار خوب در بهترین نقطه تهران خریداری کرد ولی در جمهوری اسلامی امروز رقم مزبور فقط میتواند آنهم به سختی هزینه یک ماهه زندگی یک کارمند دولت و خانواده اش را تامین کند.

❖ کمیته مزد شورای اسلامی کارگران استان تهران با ارائه جدولی از هزینه خوراک و مسکن از نقاط مختلف استان تهران با این فرض که نیمی از کارگران مشغول بکار در استان تهران دارای مسکن باشند حداقل هزینه ماهانه یک خانواده کارگری ۴ نفره را ۱،۷۰۰،۰۰۰ تومان برآورد کرده است و اضافه کرده که این رقم شامل هزینه های احتمالی تفریح، دخانیات، مسافرت، غذای بیرون و امور فرهنگی نیست و موارد مزبور را کارگران باید از طریق کاهش از خوراک خود تامین کنند.

❖ وزارت کار جمهوری اسلامی حداقل دستمزد ماهیانه یک خانواده کارگری استان تهران را برای سال آینده (۲۵۵۳=۱۳۹۳) ۶۸۰ هزار تومان در ماه تعیین کرده است.

آقای محمد باقر محمدیان رئیس هیئت مدیره مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران در مورد حداقل حقوق کارگران که وزارت کار تعیین کرده گفت:

«حداقلی که وزارت کار برای دستمزد ماهیانه یک کارگر تعیین کرده فقط میتواند با احتیاط کامل، هزینه ۱۰ روز یک خانواده کارگری را تامین کند»

### هدف از ملاحظات و شواهد آرايه شده

معلوم است که قاعده مبارزه سیاسی مستقر بر طبقه محروم و نیازمند کشور است که اکثریت قریب به اتفاق مردم را تشکیل می‌دهند، بهمین دلیل ارزیابی و شناخت موقعیت کاری و رفاهی و معیشتی آن قشر از مردم نخستین سنگ بنای مبارزه سیاسی است.

به همین مبنا در ابتدای این تحریر، موقعیت رفاهی وحد اقل دستمزد و کیفیت معیشت کارمندان و کارگران بررسی شد که بتواند بدرقه موضوع این تحریر باشد.

### معلومات

از آنجا که در سال ۵۶ و ۵۷ موقعیت طبقه کارگر و کارمند و کشاورزان ایران در موقعیتی نبود که قطب طبقه محروم را تشکیل داده باشد لذا خمینی مسئله رفاه مردم را متکا و خواست شورش قرار نداد بلکه اسلام را قرارداد چنانکه بارها گفت: «ما برای رفاه و آسایش انقلاب نکردیم ما برای اسلام انقلاب کردیم - اقتصاد مال خراست - زمان شاه مردم همه چیز داشتند ما برای اسلام همه آنها را بهم زدیم- و.....»

اینها و نظایر بسیاریان ثابت میکند که تغییر وضع اقتصادی کشور و از بین رفتن رفاه و تبدیل آن به ناداری و کسر حداقل هزینه زندگی و بیکاری کارگران و اعتیاد و مسائل دیگری از قبیل فروش دختران و امثال آنها که امروز گریبانگیر مردم ایران شده از موضوعاتی نبوده که اهداف شورش را تشکیل داده باشد بلکه اهداف اصلی شورشیان برقراری اسلام و حرکت در جای پای محمد بوده است.

امروز بعد از گذشت سالها عملاً دیده و ثابت شده است که کارگران و کارمندان که امروز طیف وسیع و گسترده مردم بی بضاعت کشور را تشکیل می‌دهند، به آن چیزی که بابت حقوق و دستمزد به آنها میرسد ابداً راضی نیستند.

این عدم رضایت چیز پوشیده ای نیست، روزنامه جمهوری اسلامی نوشت «مسولان کشور باید از طغیان لشگر فقرا وحشت کنند»

همه مردم ایران از صغیر و کبیر فشار زندگی و گرانی و بیکاری را تا اعماق استخوانشان درک میکنند تا چه رسد به طبقه کارگران و کارمندان.

### نتیجه عدم رضایت

گمان ندارم که وجود عدم رضایت عمومی مردم از لحاظ حداقل معیشت و رفاه و کار و امثال آنها در جمهوری اسلامی نیاز به ارائه مدارک بیشتر باشد.

بنابر اعلام مقامات جمهوری اسلامی در آمد نفتی دولت احمدی نژاد ۸۰۰ میلیارد دلار برابر با کل در آمد نفتی ایران از زمان داری تا پایان دولت احمدی نژاد بوده است. در این حال چرا باید اوضاع معیشتی کارگران و کارمندان به چنین وضع اسفناکی در آمده باشد؟ زیرا عدم اعتناء به حقوق و زندگی مردم - غارت و چپاول کشور توسط حاکمان سوئی نیت و عدم لیاقت در اداره کشور تشکیل دهنده روابط حکومت و زندگی رفاهی مردم است.

## حالت غبن

موقعیت حالت عدم رضایت ناشی از امور رفاهی و معیشتی در رابطه با شورش ۵۷ و فراندم سال ۵۸ نشانگر حالت غبن است؛ یعنی بخش عظیم از مردم ایران خاصه طبقه حقوق بگیر احساس می‌کنند که در معامله و جایگزینی نظام سلطنت مشروطه ایران بخصوص در سالهای سلطنت محمد رضا شاهنشاه ایران با سیستم و نظام جمهوری اسلامی مغبون شده اند و بکلامی معمول، سرشان کلاه رفته است.

کیفیت غبن مزبور، در ماهیت، تفاوتی ندارد چه ناشی از نادانی و یا اغفال و یا گرایش های مذهبی باشد و یا نباشد چراکه بهرحال بهرعلتی که باشد مردم به اسارت سیستم حکومتی جمهوری اسلامی در آمده اند و فقر و گرفتاری و فقدان رفاه و شمول بیکاری و ردالتهای اخلاقی حاکم بر آنها و جامعه ناشی از شرکت آنان در این معامله کلی است (تظاهرات - فراندم و بیعت با جمهوری اسلامی).

فرض معطوف، در این معادله این است که اگر ایرانیان میدانستند که دستاورد معامله آنان و جایگزین ساختن جمهوری اسلامی به نظام سلطنت مشروطه چنین خواهد بود که امروز گریبان آنها را گرفته بطور حتم در مبارزه مشارکت نمی‌کردند که هیچ مخالفت هم می‌کردند.<sup>۱</sup>

حالت غرر (مغبون بودن) وضعی است که انسان بطور طبیعی خواهان حالت قبل از غرر میشود اصطلاح (مال بد بیخ ریش صاحبش) بیان کننده حالت حقوقی غرر است. در حقوق مدنی هم در وضعیت غرر، زیان دیده خواستار حالت قبل از غرر میشود.

سابقه و انس مغبون، با حالت قبل از غرر، در تطبیق مورد، آشنایی و اطلاع ایرانیان خاصه طبقه حقوق بگیر از وضع معیشت و رفاه زندگی و بازار کار فراوان در دوران سلطنت، عامه ناراضیان از حکومت جمهوری اسلامی را به طور طبیعی به ایام قبل از شورش ۵۷ سوق میدهد و در این وضعیت، بطور طبیعی ناراضیان از جمهوری اسلامی آماده نخواهند بود به چیزی که سابقه اجرائی مطلوب آنها را ندارد تن بدهند. والگویی خواست آنها همان الگویی اجرائی آن دوره شاه است که یا دیده و یا شنیده اند.

ضرب المثل (مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد) بیان کننده همین احتیاط بجای مردم است.

## نتیجه گیری اول

مبارزه ایرانیان خارج از کشور بهیچوجه متوجه استیصال مردم خاصه طبقه بی بضاعت حقوق بگیر نیست.

۲

۱ - البته اگر گروه «به اصطلاح» روشنفکر این حالت «غبن» را به تفسیر و به سفارش بیگانه به مردم حفته نکرده بود. ح-ک  
 ۲ - در سال ۲۰۰۷ در یک ایمیل سراسری پیشنهاد شد تا هر ایرانی هزینه سه ماه زندگی یک خانواده ۴ نفری کارگری را مسنول و تقبل کند و از همه رادیو تلویزیون و مبارزان خط مقدم از جمله اعلیحضرت خواسته شود مردم و به ویژه کارگران به اعتصاب سراسری سرزنند و در مقابل مبارزان بیرون کشور دستمزد آنان را پرداخت کنند. این پیشنهاد با اعتراض بسیاری از جمله رادیو های طرفدار رژیم اسلامی مواجه شد و گروهی با ایمیل به فحاشی پرداختند. ح-ک

این تحریر در مقام بازگویی کمبودهای مبارزه ما علیه جمهوری اسلامی نیست زیرا آن عیان، فصل مشابهی است که در این مختصر نمیگنجد.

مسیر مبارزه ایرانیان خارج از کشور نه تنها الهام یافته از استیصال معیشتی مردم ایران نیست بلکه در نهایت تاسف به عمق فشار استیصال مردم هم کمک کرده و میکنند. مقصود آنجاست که متقاضی تحریم های سخت و شوک آور علیه ایران شده و میشوند و حتی یکبار هم برای کاستن ویا محکوم کردن این تحریم ها که هیچ جایگاه حقوقی ندارد بر نیامده اند.

همه ناظریم که خواسته و هدف مبارزه ایرانیان خارج، آزادی ودمکراسی و سکولاریسم است و این اهداف هیچ ارتباطی با نحوست و مصائب سختی که متوجه زندگی مردم است ندارد و دقیقاً خواسته هائی است که آشنای مردم نیست و الگویی از آن برای مردم کشورما در حالت اجرائی وجود ندارد. وعده های مزبور نه تنها برای مردم کشورما غریبه است که حتی در کشورهای دیگر نیز در مسیرتابیت و تعریف شده ای قرار نگرفته است.

ناظریم هر کشوری در پناه همین دمکراسی و آزادی است که پدر مردم رادر آورده و میآورد؛ مگر جمهوری اسلامی معتقد به آزادی و رعایت حقوق بشر نیست؟ مگر آمریکا مدعی سردمداری حقوق بشر نیست که جنایاتش، اعلامیه جهانی حقوق بشر را شرمسار ساخته است.

**علم جامعه شناسی بما میگوید که انسان گرسنه دین وایمان ندارد؛ تاجه رسد به دمکراسی و آزادی و سکولاریسم. در سختی معیشت و نیاز به خوراک است که فرزندان فروخته میشوند، انسان ها کشته میشوند و زندگی ها غارت و متلاشی میگردند و محبت و انسانیت از جامعه رخت بر میبندد.**

**کسانی که منطق مبارزه را بر پروسه معیشت و گشایش تنگنای زندگی ایرانیان قرار نمیدهند و باب دمکراسی و حقوق بشر و سکولاریسم را میکشایند بسیار، بسیار از مسیر حرکت مبارزه و تاثیر گذاری آن پرت تشریف دارند.**

مبارزه ایرانیان خارج از کشور به دو علت علاف، علاف است و خواهد بود.

**نخست همان که هدف و شعار مبارزه آنها مورد آشنای مردم ایران نیست، در حالیکه هدف مبارزه ایرانیان باید رفع غرر و بازگشت به دوران قبل از شورش ۵۷ باشد، یعنی باید شعار و هدف و وعده مبارزه آن باشد که چشمها آنها را دیده و گوشها آوازه آنرا شنیده اند.**

انگ سنگینی که متوجه مبارزه ما ایرانیان خارج از کشور است این است که حتی نسبت به گرفتاری های مالی و معیشتی هموطنان خود خاصه طبقه کم درآمد و حقوق بگیر کمترین احساس و درک هم نداریم و درست و شامل این بیت معروف شده ایم که میگوید:

## یکی میمرد از درد بی نوائی      کسی میگفت خانم زردک میخواهی

این دقیقا سند بی توجهی ما به گرفتاری هموطنان کم بضاعت داخل کشور است که آنها نگران نان خانواده و ما نگران آزادی و دموکراسی و سکولاریسم برای آنان. و عجیب اینکه ادعا هم داریم که اکثریت ملت ایران خواهان دموکراسی و سکولاریسم هستند؛ این جریان و آزرده‌گی حاصل از آن نشان میدهد که ما از مسیر و جریان حقیقی مبارزه که باید در پهنه تامین رفاه و معیشت مردم باشیم بکلی پرت، پرت و در برج خیالات باطله و اوهام و مستی خیال نشسته ایم.

### دوم اینکه

مسیر مبارزه ایرانیان در مسیر فرهنگی، رهبری، و تاریخی و باورسنتی ایرانیان قرار ندارد و کاملا بیراهه است و همانطور که درسی و پنجسال گذشته در بیراهه سرگردان بوده تا ابد هم سرگردان خواهد بود تا از پایفتد.

شخصیت آشنا با هویت رهبری تاریخی و سنتی ایرانیان نه تنها از مسیر تاریخی و قانونی عدول کردند بلکه مبارزه ایرانیان را به حالت توأم با وهم و نادرستی و ناباوری در آورد که قطره ای از حالت مزبور کافی است که مبارزه رابه بی اعتمادی و سوء استفاده و دروغ و تقلب آلوده سازد.

یک جا در مصاحبه با یک خبرگزاری خارجی میفرمایند: <ارتشیان ایران بیش از هر کس از من فرمان میبرند - ۹۵ درصد از هزینه های مبارزاتی من را ایرانیان داخل کشور میپردازند>

این بیانات، ایشان نشانگر حضور در مقام و موقعیت رهبری تاریخی و سنتی است که هم منضم به وفاداری ارتشیان است و هم متوجه اعتبارات تاریخی <برات شاه هیچگاه لا وصول نمیشود> میباشد.

ولی یکباره میشوند سخنگوی شورای ملی جنی که گاه پیدا و گاه ناپیداست.

این تعارضات، الیاف باورهای افراد را از هم میگسلد و انسان را به بی اعتمادی به خود و باورها و اعتقادات کهن مبتلا میسازد که بدترین حالتی است که انسان رابه نزاع با خود میکشاند و در کلامی روشن انسان رابه سرکوفت و شماتت و فریب خوردگی خود و امثال آنها که سخت ترین بیماریهای روان پریشی است مبتلا میسازد، و درست یاد آور مردی است که در کوچه هامیگشت و با صدای بلند میگفت <آی من چکاره ام، آی من کی ام> x

گوش نزدیک آرید که شماتتها شنیدنی است.